

**انتقال، حضرت امام خمین، (هـ) از تکه به عاقه، (1344 ش)**

وضع بحرانی و در حال انفجار کشور که از ادامه تبعید رهبر نهضت اسلامی ایران ناشی می‌شد از یک سو، و عدم تمایل دولت ترکیه به ادامه زندانبانی خود از سوی دیگر، رژیم پهلوی را بر آن داشت که تبعیدگاه امام را تغییر دهد. از این رو، طی مذاکره سری با دولت عراق در قبال این تعهد که دولت ایران دخالتی در سرنوشت، آزادی و مدت اقامت امام در عراق نداشته باشد، عراقی‌ها با انتقال امام به عراق موافقت نمودند. ورود امام در 13 مهر 1344 ش به عراق پس از یازده ماه اقامت در ترکیه، که ابتدا به صورت ناشناس انجام گرفت، استقبال گرم و پرشور و بی سابقه‌ای را به دنبال آورد. حضرت امام پس از یک توقف کوتاه در کاظمین، برای زیارت مرقد مطهر امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) رهسپار سامرا شدند و با استقبال باشکوه مردم و حوزه علمیه سامرا مواجه گردیدند. روز بعد کربلا یکپارچه برای استقبال از امام آماده شد و ایشان یک هفته بعد با استقبال بی‌سابقه مردم و حوزه علمیه نجف وارد این شهر شدند. هدف رژیم شاه از تغییر محل تبعید امام آن بود که با توجه به شرایط خاص و ستی حوزه علمیه نجف که هر تازه واردی در آن هضم می‌شد، آوازه امام را از این طریق به خاموشی بکشانند. اما حضرت امام با ادامه مبارزات خود، رهبری نهضت اسلامی را به شکلی دیگر پیگیری کرده به طوری که رژیم بغداد مجبور به ایجاد فشار علیه ایشان و فراهم آوردن زمینه‌های خروج امام از این کشور گردید.

هجات تاریخی، حضرت "امام خمین"، (هـ) از عاقه به پاریس، (1357 ش)

سیزده سال پس از ورود حضرت امام خمینی (ره) به عراق و اقامت در نجف اشرف، به دنبال فشارهای دولت بعثی این کشور برای محدود کردن فعالیت‌های سیاسی ایشان، حضرت امام خمینی (ره)، با چند تن از نزدیکان، صبح روز 12 مهر 1357 ش به سوی کشور کویت مهاجرت کرد. ولی دولت این کشور از ورود ایشان، با وجود داشتن ویزا، جلوگیری نمود. از این رو، ساعاتی را در مرز ماندند. در ساعات پایانی این روز، مأموران مرزی عراق به امام اطلاع دادند که بازگشتشان به نجف بلامانع است. اما امام از بازگشت به نجف خودداری کردند و شب را در بصره گذرانده، تصمیم گرفتند به پاریس بروند. عراقی‌ها نیز موافقت خود را اعلام کردند. عصر روز سیزدهم مهر 57، امام و همراهان به بغداد منتقل شده و روز بعد، این مهاجر بزرگ با کاروان کوچک همراهش، برای خدا، به سوی خدا و در راه خدا، هجرتی تاریخی و سرنوشت‌ساز را آغاز نمود و معظم‌له در محله "نوفل‌لوشاتو" در حومه پاریس اقامت گزید. در مدت اقامت چهارماهه امام در پاریس، نوفل‌لوشاتو، به مهم‌ترین مرکز خبری جهان تبدیل شده بود. حضرت امام تا چند روز پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در همین مکان به سر برده و ملت مسلمان ایران را در سرنگونی رژیم شاهنشاهی، رهبری می‌نمودند.

هـ: نبوه، انتظام،

از سال 1378 با درخواست نیروی انتظامی و تصویب مقام معظم رهبری و فرمانده کل قوا زمان برگزاری هفته نیروی انتظامی از تیرماه به مهرماه هر سال انتقال یافت. قبلاً 27 تیر به مناسبت سالروز تصویب قانون ادغام نیروی انتظامی به نام روز نیروی انتظامی و سپس هفته آخر تیرماه به نام هفته نیروی انتظامی نامگذاری شده بود و در این روز و هفته، مراسم ویژه‌ای برای بزرگداشت این نهاد انتظامی برگزار می‌گردید. ولیکن بعد از بررسی‌ها و جمع‌بندی نظرات و دیدگاه‌ها و پیشنهادهای مختلف مقرر شد هفته نیروی انتظامی در مهر ماه، برگزار شود. از جمله عللی که برای این امر ذکر شد تعطیلی مدارس و دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها بود، که طیف عظیم جوانان و نوجوانان کشور را تشکیل می‌دهند و نیروی انتظامی اصلی‌ترین برنامه‌های خود را در ارتباط با این قشر تهیه و تدارک می‌بیند و با تعطیلات تابستانی امکان ارتباط مناسب و برنامه‌ریزی مطلوب برای آنها وجود نداشت، دیگر اینکه با توجه به درجه حرارت بالا در فصل تابستان امکان اجرای برنامه‌های مختلف برای همه اقشار مردم و در همه مناطق کمتر امکان‌پذیر بود.

هـ: کاروان، ابا عبدالله الحسین، (ع) به سزمین، کربلا (61 ع)

پس از آن که والی مدینه، امام حسین (ع) را برای بیعت با یزید تحت فشار قرار داد، آن حضرت به مکه رفت و پس از مدتی، در روز ترویه یعنی هشتم ذی‌حجه سال 60 قمری از مکه به سوی عراق مهاجرت فرمود. در اوایل ماه محرم سال 61 قمری، لشکریان عبیدالله بن زیاد به فرماندهی حرّ بن یزید ریاحی با آن حضرت مواجه شده و مانع پیش‌روی آن حضرت به سوی کوفه شدند. گرچه حرّ بن یزید، مأموریت داشت با امام حسین (ع) برخورد شدید نماید ولیکن رفتار وی با امام بر رفق و مدارا بود. از این رو حرّ و لشکریانش در نماز جماعت امام حسین (ع) شرکت می‌کردند و به خطبه‌های دلنشین وی گوش جان می‌سپردند و این دو سپاه چند روز بدون هیچ‌گونه مشکلی در کنار هم بودند. اما عبیدالله بن زیاد که در جنگ با ابا عبدالله الحسین (ع) اصرار فراوان داشت، نامه‌ای به حرّ بن یزید نوشت و وی را مأمور سخت‌گیری بر امام حسین (ع) نمود. حرّ بن یزید نیز طبق فرمان، راه را بر امام حسین (ع) و یارانش مسدود نمود و آنان را به سوی منطقه‌ی خشک و بی‌حاصلی به نام کربلا

تولد "ریچارد هائز" نوزدهم، رئیس، جمعه، امیکا (1822م)

ریچارد هائز، نوزدهمین رئیس‌جمهور آمریکا، در چهارم اکتبر 1822م به دنیا آمد و از جوانی وارد نظام گردید. وی مدارج ترقی را طی سال‌های متوالی به دست آورد و در جریان جنگ‌های داخلی آمریکا، به عنوان یکی از ژنرال‌های ارتش آمریکا، فرماندهی تعدادی از نیروهای دولتی را بر عهده گرفت. هائز سپس به فرمانداری ایالت اوهایو دست یافت و با شرکت در انتخابات ریاست جمهوری سال 1876م، با اختلاف اندکی بر رقیب خود پیروز شد، از اول ژانویه 1877م به عنوان نوزدهمین رئیس‌جمهور آمریکا در 55 سالگی وارد کاخ سفید گردید. آمریکا در دوران حکومت هائز، بیش از گذشته شاهد بازسازی‌های اقتصادی بود و سیاست غالب در زمان او نیز سیاست‌های اقتصادی بودند. در این دوران با سرمایه‌گذاری‌های وسیع دولتی در بخش‌های صنعتی ایالات شمالی، اقتصاد راکد کشور به تدریج رشد کرد و این رشد تدریجی، ساختار زندگی کشاورزی در ایالات جنوبی را که سالیان دراز از طریق برده داری اداره می‌شد، بیش از گذشته در معرض تهدید قرار داد. در سایه صنعت و تجارت داخلی و مبادلات بازرگانی و معاملات خارجی، ایالات شمالی ذخایر قابل ملاحظه‌ای اندوختند. سرمایه‌های اروپایی نیز به داخل کشور سرازیر بود. نیروی انسانی به حد وفور در اختیار بود و علی‌رغم ادامه یافتن بسیاری از اعتصابات در بخش‌های کارگری، این پیشرفت‌ها ادامه یافت. دوران نسبتاً آرام حکومت ژنرال ریچارد هائز در آمریکا، زمینه‌ساز پیدایش کارتل‌ها و تراست‌های اقتصادی در جامعه آمریکا بود. این کارتل‌ها که با تلاش‌های دسته جمعی شرکت‌های بزرگ شکل گرفتند توانستند انحصار سودهای کلان را در دست خود بگیرند. همین‌ها بودند که در سال‌ها و دهه‌های بعد با قدرت و نفوذ مالی خود در خط دادن به سیاست‌مداران و حتی در انتخابات آنها اعمال نفوذ و ایفای نقش می‌کردند. از مهم‌ترین وقایع دوران ریاست جمهوری هائز، تخلیه ایالت‌های جنوبی از نیروهای شمالی بود که از زمان جنگ‌های انفصال در جنوب آمریکا حضور داشتند. ریچارد هائز تنها یک دوره چهار ساله، در مسند امور آمریکا حضور داشت و در پایان سال 1880م از کار کناره گرفت تا اینکه در هفدهم ژانویه 1893م در 71 سالگی درگذشت.

کشف بند، سلب، ته‌سپت الکساندر، فلمینگ (1928م)

الکساندر فلمینگ کشف شد. فلمینگ پزشک و محقق انگلیسی این ماده شفابخش را از کپک‌هایی به‌دست آورد که در محیط کشت طبی برای رشد میکروب استافیلوکوک مهیا کرده بود. سر الکساندر فلمینگ پزشک و کاشف معروف انگلیسی در ۶ اوت 1881م در خانواده‌ای کشاورز در شهر لاجفیلد فارم در غرب اسکاتلند به‌دنیا آمد. او پس از طی تحصیلات متوسطه راهی لندن شد و به‌همراه برادرش به کار مشغول گردید. با این حال از سن بیست سالگی تصمیم به ادامه تحصیل گرفت و پس از پنج سال موفق به اخذ مدرک پزشکی شد. فلمینگ پس از آن وارد تحقیقات پزشکی شد و به مطالعات میکروب‌شناسی علاقه‌مند گردید. او در جریان جنگ جهانی اول، در بهداری ارتش انگلیس به خدمت مشغول بود. فلمینگ در آن مدت متوجه شد که عده زیادی از سربازان در نتیجه عفونت زخم می‌میرند و این امر باعث تأثر و وحشت در او شد. فلمینگ مشاهده می‌کرد که حتی بهترین وسائلی که علم جراحی در آن زمان فراهم آورده است، قادر نیست بیماران مبتلا به عفونت را از مرگ نجات دهد. وی از همان زمان مصمم شد تمام عمر خود را در راه تحقیق و مطالعه درباره باکتری معمولی که موجب عفونت زخم می‌شود، صرف کند. در نهایت، ده سال پس از پایان جنگ، در چهارم اکتبر 1928م، یک اتفاق تصادفی و یک مطالعه دقیق و موشکافانه باعث شد که فلمینگ برای از بین بردن باکتری‌های تولیدکننده عفونت زخم، موفق به کشف پنی‌سیلین گردد که برای بافت‌های انسانی اثرات نامطلوبی در پی نداشت. این کشف در تاریخ طب بی‌نظیر بود و نشان می‌داد که نتایج ناشی از آن، انقلابی در تاریخ پزشکی به‌وجود خواهد آورد. پنی‌سیلین بدان‌صورت که فلمینگ کشف کرد کاربردی نداشت؛ تا این‌که یازده سال بعد در سال 1939م با کمک دو دانشمند میکروب‌شناس و زیست‌شناس به نام‌های هوارد فلوری و ارنست چین، این آنتی‌بیوتیک به‌صورت دارویی ضد عفونت عرضه شد. در طی جنگ جهانی دوم، آنتی‌بیوتیک‌ها کاربرد وسیعی پیدا کردند و جان میلیون‌ها نفر را نجات دادند. فلمینگ، 17 سال پس از کشف پنی‌سیلین، در سال 1945م، به دریافت جایزه نوبل پزشکی نائل آمد و به لقب بهترین خدمت‌گزار کشور مفتخر گردید. سر الکساندر فلمینگ سرانجام در یازدهم مارس 1965م در سن 74 سالگی درگذشت.

هدایت کرد و در آن‌جا آنان را در محاصره‌ی خویش قرار داد. قافله‌ی امام حسین(ع) چون به سرزمین کربلا رسیدند، آن حضرت پرسید: این زمین چه نام دارد؟ عرض کردند: کربلا. آن حضرت تا نام کربلا را شنید، فرمود: **اللهم إني أعوذ بك من الكرب و البلاء.** و سپس فرمود: این، موضع کرب و بلا و محلّ محنت و عنا است. فرود آید که این‌جا منزل و محل خیمه‌هایی ما است و این زمین، جای ریختن خون ما است و در این مکان قبرهایی ما واقع خواهد شد. جدّم رسول خدا (ص) مرا به این امور خبر داد. به ناچار، آن حضرت و یاران و اصحابش در روز پنج‌شنبه دوم محرم‌الحرام سال 61 قمری در آن سرزمین فرود آمدند و حرّ بن یزید نیز با سپاهیان‌ش در مقابل آن حضرت، خیمه زدند.